

بررسی حکم تکلیفی و وضعی ربای قرضی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه

زکيه مؤدب^{۱*} و سيد عباس جزایری^۲

۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

۲ استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

*نویسنده مسئول

چکیده

موضوع این تحقیق احکام ربای قرضی در فقه و حقوق اسلامی است و هدف از انجام آن بررسی مواردی است که در زیر می‌آیند و بر اساس نگرش یک تحقیق مسأله‌محور، بر اساس راه‌برد تحقیقی توصیفی و بر اساس راه‌کار تحقیقی کتاب‌خانه‌ای است. در بحث واژه شناسی معلوم شده است که تقریباً تعبیر واحدی از واژه ربا در لغت و اصطلاح به کار رفته است و در بررسی تعاریف فقهی و حقوقی موضوع تعریف جامع و مانعی از این پدیده به دست آمده است و ضمن بیان انواع ربا آن را در جوامع و تمدن‌های مهم بشری ریشه‌یابی کرده و از دیدگاه ادیان مهم الهی بررسی کرده‌ایم و نتیجه این شده است که در تمامی جوامع و تمدن‌های بشری و ادیان آسمانی از این پدیده با تنفر و پلیدی یاد شده است. تحریم ربای قرضی از مسائل مهم اسلامی است که ثابت شده و مورد قبول همه‌ی مسلمانان است. و مبحث جدیدی نیست که کار نشده باشد بلکه از زمان بنای علم فقه مطرح بوده است. آنچه در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است وجای بحث و تحقیق دارد؛ مسأله اسکناس می‌باشد؛ ربایی که در اسکناس جاری می‌شود ربای قرضی است که تنها رکن آن دریافت مقدار اضافی است. و از آن جایی که ربا در لغت به معنی فضل و زیادی است و بدون شک منظور از این فضل، فضل اقتصادی است نه فضل ظاهری و اسکناس به دلیل نداشتن ارزش ذاتی، با گذشت زمان و تحت تأثیر نرخ تورم از ارزش آن‌ها کاسته می‌شود دریافت اضافی در آن‌ها تا به اندازه‌ی نرخ تورم اشکالی ندارد و فضل و ربا محسوب نمی‌شود. این مطلب از عبارات فقها که فرموده‌اند: «کل قرض یجر المنفعة حرام»، فهمیده می‌شود. ناگفته نماند از مهم‌ترین نهادهایی که هم‌اکنون در معرض رباخواری قرار دارند بانک‌ها هستند که متأسفانه چیزی حدود هفتاد درصد از عقود آن‌ها در عمل به عقود با بازده ثابت تبدیل شده‌اند.

واژگان کلیدی: ربا، جرم ربا، ربای قرضی، مجازات جرم ربا، جرم مطلق، جرم مقید.

مقدمه

ربا یکی از جرائم غیر مشهود در جوامع مختلف بشری اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌باشد و به نوعی سد راه آحاد و رشد اقتصادی گروهی از افراد جامعه می‌شود و در ضمن سنن حسنه‌ای مثل قرض الحسنه را که در دین مبین اسلام بر آن بسیار تأکید شده است، مظلوم واقع کرده و منجر به فراموشی آنها شده و به قیاس اولویت مسائلی مثل فساد اخلاقی، رواج تنبلی و بی‌بندوباری اقتصادی را به همراه داشته است. لذا دین مبین اسلام ربا و طرفین آن را مذموم می‌داند. به تبع آن قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران هم بایستی اشد مجازات را برای فعل این جرم در نظر بگیرد. هدف این مقاله بررسی و تبیین مسئله ربا در حقوق اسلامی و فلسفه حرمت آن و جایگاه و نحوه برخورد با این پدیده مهلک اجتماعی در حقوق موضوعه ایران می‌باشد. بر مبنای همین رویکرد، مقنن در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی در مقام جرم انگاری ربا و معاملات ربوی برآمده و مقرر داشته: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

تبصره ۱- در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲- هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد.

تبصره ۳- هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که ربا قرضی حسب قوانین کیفری ایران علاوه بر ممنوعیت شرعی دارای وصف جزای نیز می‌باشد که ذیلاً به بررسی آن پرداخته می‌شود.

گفتار اول: بیان مفاهیم**بند اول: حکام تکلیفی**

دستورها و فرمان‌های صادر شده از سوی شارع را در خصوص افعال و کردار مردم اعم از امر، نهی و اجازه شامل می‌شود و به پنج قسم وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه تقسیم می‌گردد (شهید ثانی، ۱۳۸۴: ۶/ ۲۱). به طور کلی می‌توان احکام تکلیفی را به دو دسته احکام الزامی و احکام ترخیصی اصلی تقسیم کرد. این دسته از احکام مستقیماً به افعال مکلفان تعلق می‌گیرند و به موجب آن‌ها، مکلفان مأمور، ممنوع یا مجاز می‌گردند و یا بر فعل و ترک آن‌ها، مدح یا مذمت مترتب می‌شود.

تعریف حکم تکلیفی از نظر محقق اصفهانی عبارت از «الانشاء بداعی جعل الداعی» می‌باشد (اصفهانی، ۱۴۲۹: ۵/ ۱۰۱). در توضیح این مطلب باید بیان داشت که هرگاه انسان فعلی را تصور نماید و فایده ش را تصدیق نماید، در نفسش نسبت به آن فعل، شوق ایجاد می‌شود و هرگاه این شوق افزایش یابد، اگر مشتاق الیه مربوط به افعال خود انسان باشد، عضلاتش تحریک می‌شود و آن فعل را محقق می‌نماید، اما اگر آن فعل مشتاق الیه از افعال دیگران باشد، شوق اکید انسان باعث تحریک عضلاتش نمی‌شود، زیرا افعال دیگران در تحت اختیار خود آن‌هاست. برای محقق شدن فعل مزبور باید در نفس آن شخص، انگیزه برای محقق نمودن آن فعل ایجاد گردد. مولی برای ایجاد انگیزه در آن شخص، اعتبار و انشایی صادر می‌نماید که هدفش ایجاد انگیزه در آن شخص است. حقیقت حکم تکلیفی همین انشاء و اعتباری است که با هدف ایجاد انگیزه، در آن شخص صادر شده است. در تحلیل این مطلب باید توجه داشت که از یک نگاه، می‌توان تعریف مزبور را شامل کراهت و حرمت نیز دانست؛ به این اعتبار که «انشاء به انگیزه ایجاد انشاء» به اعتبار متعلق انگیزه به چهار قسم قابل تقسیم است: انشاء به انگیزه ایجاد انگیزه برای انجام فعل و انشاء به انگیزه ایجاد

انگیزه برای ترک فعل که هر کدام نیز همراه با منع از نقیضی است یا بدون منع از نقیض. اما باید توجه داشت که این تعمیم مبتنی بر تعمیم در معنای داعی است، بدین صورت که داعی هم در مورد داعی بر فعل و هم در مورد داعی بر ترک فعل استعمال گردد.

بند دوم: احکام وضعی

آن دسته از احکام شرعی که ممکن است با احکام مکلفان مرتبط باشد ولی ارتباط مزبور ارتباط مستقیم نیست، یعنی از سوی شارع مستقیماً نسبت به افعال مکلفان انشاء نمی‌گردد و مقتضای آن‌ها، منع و یا رخصت نیست، احکام وضعی نامیده می‌شوند؛ از قبیل: مالکیت، زوجیت، اهلیت، سببیت، مانعیت، شرطیت، صحت و بطلان که مدلول هیچ یک از این احکام ابتدائاً الزام یا منع نبوده، بلکه این دسته از احکام مستقیماً به اشخاص یا اشیاء تعلق گرفته است نه به افعال اشخاص. به عنوان مثال، هنگامی که بیان می‌گردد، اتلاف سبب ضمان است، در اینجا اتلاف فعل مکلف است و می‌تواند موضوع حکم تکلیفی حرام قرار گیرد، در حالی که ضمان عبارت از قرار گرفتن مال در ذمه ضامن می‌باشد، بنابراین مال مضمون است و بدیهی است که مال یک شیء است نه فعلی از افعال مکلف (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۲۸)؛ یا آنکه بیع سبب مالکیت مشتری نسبت به مبیع است، در اینجا بیع عملی است از افعال مردم و می‌تواند به یکی از احکام پنج‌گانه تکلیفی متصف گردد، در حالی که مبیع که یک شیء است، در مالکیت مشتری قرار گرفته و مشتری که یک شخص است موضوع مالکیت که یک حکم وضعی است، می‌شود. در اینکه احکام وضعی چه تعدادی هستند در میان علمای اصول بحث و گفت‌وگو بسیار است و برخی این دسته از احکام را محصور دانسته‌اند (محقق داماد، همان: ۲۸)، در حالی که به نظر می‌رسد کلیه احکامی که از دایره تکلیف و متعلقات آن بیرون است می‌تواند حکم وضعی تلقی گردد.

احکام تکلیفی همواره به دلیل مقتضای طبع آن‌ها شامل مکلفان می‌گردند و چنانچه شرایط تکلیف از قبیل علم و عمد و اهلیت وجود نداشته باشد، ساقط خواهند شد، در حالی که احکام وضعی چنین نیستند و در آن‌ها علم و عمد و اهلیت نقش و دخالتی ندارند. احکام تکلیفی شامل فاقدین اهلیت نمی‌شود، ولی احکام وضعی آنان را شامل می‌گردد و لذا صغیر و مجنون چنانچه مالی را تلف کنند ضامن می‌شوند. هر چند مخاطبان حکم تکلیفی وجوب ادا نمی‌باشند، تکلیف وجوب ادا در دوران صغر متوجه ولی آنان است (همان: ۲۹).

بند سوم: تعریف ربا

ربا از نظر لغوی، معنای مطلق افزایشی شیء است؛ اعم از مال یا غیر آن. (معوف، ۱۳۶۱: ۲۵۰). این معنا همچنین در آیات مختلف قرآن نیز به کار رفته است. از جمله در سوره روم، آیه ۳۹ که می‌فرماید: «در نزد پروردگار افزایش نمی‌یابد» یا، در آیه ۵ سوره حج که می‌فرماید: «چون باران را بر زمین بفرستادیم به اهتزاز در بیاید و نمو کند...». همچنین در آیه ۲۷۶ سوره بقره داریم که می‌فرماید: «خدا پاداش کارهای نیک را افزایش می‌دهد».

البته قابل ذکر است که فرهنگ لسان العرب با تعریفی که از لغت ربا می‌کند آن را تنها محصور در زیادت مالی کرده است و زیادت غیرمالی را داخل در تعریف نکرده است. لکن معنای شرعی ربا با معنای لغوی آن تفاوت دارد، چرا که در معنای لغوی اصل زیادت است چه از راه معامله باشد چه از راه تجارت و... حال آن که هر زیادت و اضافه شدنی در مال شرعاً موضوع بحث ربا نمی‌باشد و لذا راغب اصفهانی در تعریف کلمه ربا می‌نویسد: «ربا اصل زیادی بر مال است ولی از نظر شرع به زیادی ویژه‌ای اطلاق می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۸۰).

در تعریف ربا در اصلاح سه رویکرد وجود دارد یکی تعاریف علما و مفسران که مبنای روایی دارد و تعاریف کاملی نبوده و دارای اشکال‌هایی می‌باشد. برای مثال در کنز‌العرفان آمده است «معنای لغوی ربا به تفاوت دارد، چرا که در معنای لغوی اصل زیادت است که دو کالای همجنس مکمل و موزون را به تفاضل مبادله کنند» (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۹۰).

در ضمن تعاریفی هم علمای اهل سنت دارند که همانند تعریف فوق تعاریف کاملی نمی‌باشند. چرا که عیب اساسی این تعاریف آن است که یکی از انواع ربا را یعنی ربای معاملی را تنها مورد توجه قرار داده و نوع دیگر آن - ربای قرضی در این تعاریف مهمل گذاشته است (ربای قرضی و معاملی در آینده توضیح داده می‌شود).

اما در این میان رویکرد دیگری هم در تعریف ربا وجود دارد و آن تعریف فقهای امامیه بوده که نسبتاً تعریف مانعی می‌باشد، بدین صورت که «ربا عبارت است از دریافت زیادی در مبادله دو کالای هم جنس که موزون و مکیل باشد و یا دریافت اضافی در قرض با شرط قبلی» (موسایی، ۱۳۷۶: ۲۵). از آن جهت این تعریف را جامع ندانستیم که نوعی از ربا را که مفسران به آن قائلند یعنی ربای جاهلی را شامل نمی‌شود.

قابل ذکر است که منظور از ربای جاهلی نوعی از ربا می‌باشد که در عربستان مقارن با ظهور اسلام رواج داشت و از آن جایی که تخصیصاً از بحث خارج است به آن نپرداختیم - رویکرد دیگری هم در تعریف ربا اصطلاحاً وجود دارد و آن برخاسته از فلسفه حرمت ربا یعنی ظالمانه بودن آن می‌باشد بدین صورت که «دریافت و یا پرداخت هرگونه زیادی ناحق و ظالمانه در مبادلات بر اساس ارزش آنها». (موسایی، ۱۳۷۶: ۲۵-۳۲).

این تعریف اگر واقعاً علت تحریم ربا؛ ظالمانه بودن باشد جامع است اما مانع دخول اغیار نمی‌باشد، از آن جهت که شامل بسیاری از معاملات غیرربوی هم می‌شود حال آنکه شاید آنها ظالمانه باشد اما ربوی به معنای که مراد اسلام می‌باشد، نمی‌باشد و اشکال‌های دیگری هم بر این تعریف مترتب است که مجال بررسی آن در این مختصر نمی‌باشد.

صاحب جواهر نیز دو ملاک برای ربوی بودن شرط می‌داند که باز شامل ربای جاهلی نمی‌شد بدین شرح که: ربای حرام در دو مورد تحقق می‌یابد:

۱- مبادله دو جنس مشابه با زیادی یکی از آنها به شرط مکیل و موزون بودن.

۲- قرض دادن یک جنس به دیگری به شرط بازپرداخت اضافی (نجفی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۱۵۰).

با تمام این اوصاف تعاریف فقهای امامیه از ربا؛ تعاریف جاهلی که مفسران به آن قائلند را در بر نمی‌گیرد ولی این تعاریف بر مبنای روایت‌ها شکل گرفته و در ضمن، ربای جاهلی تخصیصاً محل بحث نمی‌باشد. لذا تعاریفی که فقهای امامیه کرده‌اند از آن جهت که مقصود دین اسلام را از ربا منعکس می‌کنند تعاریف جامع و مانعی می‌باشند.

گفتار دوم: انواع ربا

ربا در فقه به دو قسم تقسیم شده است: (۱) قرضی و (۲) معاملی

بند اول: ربای قرضی

ربای قرضی عبارت است از این که کسی مالی را به دیگری قرض دهد و سپس به صورت صریح یا ضمنی یا بنا بر رویه‌ای که بین طرفین وجود دارد، اضافه بر اصل مال را به نفع خود یا دیگری، شرط دریافت چیزی اعم از مال یا منفعت مالی از قرض گیرنده نموده باشد. این اضافه مزبور را - به شرط أخذ - ربای قرضی می‌گویند (علامه حلی، ۱۳۶۳: ۳۸۰؛ خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۵۳).

تعریف دیگری که از ربای قرضی می‌توان عنوان کرد عبارت است از: «قرض یا تمدید زمان طلب با شرط پرداخت ارزش اضافی عینی یا حکمی به نحو ظالمانه». بر مبنای این تعریف؛ دریافت اضافه در صورتی نامشروع است که از قبل معین باشد و لذا بدون شرط قبلی اگر بدهکار اضافه‌ای را به طلبکار بدهد حرام نبوده و در ضمن در دین مبین اسلام بر آن هم تأکید شده است البته قابل ذکر است در تعریف زیاده خواهی به ازای تمدید مهلت هم اشکالی ندارد؛ حال آنکه از لحاظ فقهی محل اشکال است.

در تعریف اخیر، نکته ظریف دیگری هم نهفته است که قابل ذکر است و آن اینکه در این تعریف مازاد بر اصل پول و یا کالا به تنهایی ربا نمی‌باشد، بلکه هر گونه امتیاز و تعهدی که ارزش اضافی محسوب شود در این تعریف ربا به شمار می‌آید. در ضمن مناط در این تعریف ظلم است و لذا قرض‌هایی مصداق ربا خواهند شد که جنبه ظلم و ستم در آنها پیشی گیرد. و اگر قرضی در آن اضافه شرط شده باشد ولی طرفین ظلم و اجحافی نشود مصداق ربا نمی‌باشد. لذا این تعریف جامع، آنچه فقه امامیه اراده فرموده است نمی‌باشد لذا محل نظر و تأمل است.

بند دوم: ربای معاملی

در حرمت ربا نسیه از دیدگاه شیعه هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد، چرا که روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده که می‌فرمایند: «ربا به جز در نسیه وجود ندارد». بر اساس این روایت، عده‌ای ربا را منحصر در ربای قرضی دانسته‌اند. ولی نوع دیگری از ربای حرام، در معاملات و خرید و فروش مطرح است. بدین شرح که أخذ مال اضافه بر ثمن در بیع دو جنس همانند مکیلی یا موزون را ربای معاملی گویند (خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴: ج ۱، ۶۵۳) در ضمن مال اضافه ممکن است از جنس ثمن یا چیز دیگری باشد. همچنین در معیار حرمت ربای معاملی نیز علمای شیعه، ربای معاملی را در اشیای همجنس که مکیل و موزون باشد جاری می‌دانند. مبنای آنها هم قاعده معروف فقهی می‌باشد: «ربا تنها در مکیل و موزن است». معیار دیگری را هم شهید استاد مطهری در کتاب مسئله ربا بیان می‌کند که آن قابلیت اندازه‌گیری و تقدیر است (مطهری، ۱۳۷۶: ۷۸-۷۹). این معیار عام‌تر و فراگیرتر از مکیل و موزون بوده است و اشیای محدودی را که مقدر است، مثلاً اسکناس را نیز در بر می‌گیرد.

گفتار سوم: عنصر مادی بزه ربای قرضی در حقوق ایران

مقررات ماده ۵۹۵ ق.م.ا حاکمی است که عنصر ماده بزه ربا ممکن است به سه طریق محقق گردد: ۱- پرداخت ربا ۲- دریافت ربا ۳- وساطت یا معاونت در عملیات ربوی. از میان عناصر مادی مذکور، دریافت و پرداخت ربا دارای اجزائی است که عبارتند از: ۱- توافق یا تراضی طرفین ۲- شرط مازاد ۳- قبض و اقباض مازاد. بدین ترتیب چنانچه توافق طرفین فاقد یکی از اجزاء مذکور در فوق باشد، عمل ارتكابی از عنوان ربا خارج و مشمول مقررات ماده ۵۹۵ نخواهد بود.

بند اول: توافق یا تراضی طرفین

این جزء از اجزاء عنصر مادی بزه ربا بدین معناست که برای تحقق این جرم ضروری است که طرفین در خصوص پرداخت و دریافت زیادتیی با یکدیگر توافق و تراضی نمایند؛ به عبارت دیگر عملیات انجام شده زمانی عنوان ربوی به خود می‌گیرد که طرفین قرارداد، نسبت به موضوع مورد نظر بصورت صریح یا ضمنی توافق کرده باشند از این رو چنانچه در خاتمه قرارداد مقتضی به گونه ای غیر الزامی، مبلغ یا مقداری زائد بر قرض به مقرض پرداخت نماید، چنین عملی تحت عنوان ربا قابل تعقیب و مجازات نبوده و فاقد وصف جزایی خواهد بود.

بند دوم: شرط مازاد (اضافه)

از دیگر اجزاء عنصر مادی بزه ربا شرط پرداخت و اخذ مازاد بصورت مالی است؛ از این رو چنانچه در ضمن توافق یا قراردادی شرط شود که مقتضی علاوه بر پرداخت مبلغ مورد قرض، دختر خویش را نیز به عقد نکاح مقرض درآورد، با توجه به غیر مالی بودن توافق، عمل ارتكابی طرفین ربا محسوب نشده و مشمول مقررات ماده ۵۹۵ ق.م.ا نخواهد بود. همچنین آنچه در ربای جنسی یا معاملات ربوی شرط می‌شود باید با جنس موضوع معامله ربوی همجنس، مکیل و موزون باشد. با این حال به نظر برخی از حقوقدانان، چیزی که از جنس ربوی می‌سازند در محاسبه دو جنس در حکم اصل آن است. از این رو، آرد گندم مانند گندم بوده و معاوضه گندم و آرد گندم معاوضه دو همجنس است.

بند سوم: قبض و اقباض مازاد (اضافه)

مستفاد از مقررات ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی و کلمات فقها آن است که صرف توافق یا انجام معامله ربوی، بدون قبض و اقباض عرضین را نمی‌توان از مصادیق ربا دانست. بلکه با عنایت به مقید به نتیجه بودن جرم موضوع ماده ۵۹۵، بزه ربا زمانی محقق می‌گردد که مقتضی یا طرف معامله، مازاد موضوع قرض یا معامله را به مقرض یا طرف مقابل پرداخت و به قبض او دهد. اداره حقوقی قوه قضائیه در این زمینه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰ - ۱۳۸۲/۱/۱۱ اشعار داشته: «مقررات ماده ۵۹۵ ق.م.ا مخصوص مواردی است که اگر معامله جنسی مکیل یا موزون با شرط اضافه همان جنس و یا زائد بر مبلغ پرداختی دریافت شود و

یا در قرضی بدهکار بیشتر از آنچه قرض کرده است ملزم به پرداخت گردد. به عبارت دیگر نتیجه حاصله از جرم ملاک است؛ بنابراین صرف توافق به اینکه شخصی وجهی را در قبال اخذ وجه اضافی به دیگری بدهد جرم و مشمول آن ماده محسوب نمی شود.»

لذا باید توجه داشت آنچه که قبض و اقباض آن باعث تحقق جرم ربا می گردد، اضافه ای است که در معامله ربوی شرط شده است؛ اضافه ای است که در معامله ربوی شرط شده است؛ از این رو تا زمانی که این اضافه توسط رباگیرنده قبض نشود بزه ربا نیز محقق نخواهد شد؛ بعنوان مثال در ربای قرضی که به اقساط پرداخت می شود و معلوم نیست که کدامیک از اقساط بابت اصل و کدام بابت بهره است، عملیات ربوی با پرداخت تمام اقساط یا لاقط بخشی از اقساط مازاد به اصل وام محقق خواهد شد.

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در این زمینه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۴۱۸۸ - ۱۳۸۲/۵/۲۱ اشعار داشته: «با توجه به تعریف ربا در فقه و قانون تا زمانی که وجه اضافی دریافت نشود ربا محقق نمی گردد.»

همچنین باید توجه داشت که صرف دریافت سند پرداخت وجه مازاد مانند چک یا سفته یا حواله یا تسلیم مال مازاد بدون اخذ مبلغ یا مال موضوع آن را نمی توان ربا دانست، زیرا تا زمانی که وجه موضوع چک یا سفته و یا مال موضوع حواله اخذ نشده، مال یا وجهی اضافه دریافت نگردیده تا مبلغ پرداختی مازاد را ربا محسوب نمائیم و عمل مرتکب در چنین مواردی حداکثر شروع به جرم ربا محسوب می گردد که مع الوصف بواسطه فقدان نص قانونی در خصوص شروع به جرم ربا، نمی توان این میزان از عمل مرتکب را جرم و قابل تعقیب و مجازات دانست.

بند چهارم: سایر ارکان

الف: موضوع جرم

موضوع جرم ربا، مال متعلق به غیر (ربادهنده) است که بصورت مازاد بر اصل مطالبات طرف در معاملات ربوی مصداق پیدا می کند. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که در ربای معاملی، الزاماً مال باید متعلق به یکی از طرفین معامله بوده و به نفع طرف مقابل شرط و اخذ شود و الا چنانچه مال مورد نظر در شرط اخذ مازاد متعلق به شخص ثالثی بوده یا به نفع شخص ثالثی که از نظر منافع یا طرفین معامله بیگانه است شرط و اخذ شود، موضوعاً از عنوان ربا خارج خواهد بود. از این رو چنانچه کسی وجوه متعلق به غیر را با شرط دریافت اضافه به دیگری قرض دهد، جرم ربا محقق نخواهد شد و حتی در صورتی که مالک وجوه، بعداً چنین عقدی را تنفیذ نماید، جرم ربا نسبت به او نیز بواسطه عدم تقارن عنصر مادی و معنوی جرم محقق نخواهد شد. بعلاوه در صورتیکه ربادهنده، از اموالی که با دیگران به نحوه اشاعه شریک است قرض ربوی دریافت کند ربا مصداق پیدا نخواهد کرد، چرا که شخص نمی تواند به خودش ربا دهد و از طرفی جزء جزء مال مشاع متعلق به کلیه شرکاء نیز می باشد.

ب: مرتکب جرم

با توجه به عبارت «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر» در صدر ماده ۵۹۵ ق.م.ا باید گفت که از نظر جزایی و قواعد حاکم بر تفسیر قوانین جزایی عبارت «فرد» ظهور در اشخاص حقیقی داشته و لذا معاملات ربوی میان اشخاص حقوقی فاقد خصیصه مجرمانه تلقی می گردد؛ مع الوصف چنانچه عملیات ربوی میان شخص حقیقی و شخص حقوقی منعقد شده باشد، مسئولیت کیفری صرفاً متوجه شخص حقیقی است.

ج: علل موجهه جرم

با عنایت به مفاد تبصره ۲ و ۳ ماده ۵۹۵ ق.م.ا که بیانگر اعمال علل موجهه جرم در بزه ربا می باشد، می توان این علل را عبارت از: ۱- اجازه یا حکم قانون و ۲- اضطرار دانست.

اجازه یا حکم قانون: به موجب تبصره ۳ ماده مورد بحث، ربا - اعم از قرضی یا معامله - چنانچه بین پدر و فرزند یا زن و شوهر یا کافر و مسلمان منعقد شده باشد از شمول مقررات این ماده خارج است؛ که بدین واسطه با عنایت به عدم شمول سایر قوانین جزایی بر ارتکاب چنین عمل، باید عنوان داشت که مقنن با تبصره مذکور اجازه انجام معاملات ربوی را به اشخاص مذکور در تبصره

۳ این ماده داده است و به حکم قانون که یکی از علل موجهه جرم محسوب می‌گردد. عمل ارتكابی فاقد وصف مجرمانه تلقی می‌گردد. این چنین امری را باید مقتبس از فقه امامیه دانست چرا که از نظر فقهی، موارد صحت معاملات ربوی توسط فقها بیان گردیده که عبارتند از: ربای میان پدر و فرزند، زن و شوهر، کافر و مسلمان - به شرط آنکه مسلمان از غیرمسلمان ربا دریافت کند لذا نه تنها انجام معاملات ربوی فوق مجرمانه محسوب نمی‌گردد بلکه از نظر حقوقی نیز این معاملات صحیح بوده و باطل و بلااثر محسوب نمی‌گردد.

در این زمینه شورای نگهبان در نظریه شماره ۹۳۴۸ مورخه ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ خود اشعار داشته: «دریافت بهره و خسارت تاخیر تادیه از دولتها و موسسات و شرکتهای و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند شرعاً مجاز است، لذا مطالبه و وصول این گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصل چهل و سوم و چهل و نهم قانونی اساسی شامل این مورد نمی‌باشد.»

در خصوص اخذ یا پرداخت ربا بین زن و شوهر نیز باید به این نکته توجه داشت که اطلاق تبصره ۳ ماده ۵۹۵ ق.م.ا. عملیات ربوی میان زن و شوهری که در قید نکاح منقطع یکدیگر باشند را نیز دربرمیگیرد. با این حال چنین به نظر می‌رسد که با توجه به مبنای جرم نبودن معاملات ربوی میان زن و شوهر که «توارث آنها از یکدیگر» است، نتوان نکاح منقطع را مشمول مقررات این تبصره دانست، لیکن با توجه به اطلاق تبصره مرقوم و لزوم تفسیر به نفع متهم نمی‌توان این تفسیر را صحیح دانست. همچنین عملیات یا معاملات ربوی در دوران عده طلاق رجعی با توجه به عدم انقطاع کامل رابطه زوجیت، فاقد وصف جزایی به نظر می‌رسد.

اضطرار: اگر چه مقنن در تبصره ۲ ماده مرقوم تنها ربا دهنده را در مقام اضطرار معاف از تعقیب و مجازات شناخته، لیکن باید توجه داشت که چنانچه شرایط متشکله اضطرار در رباگیرنده نیز جمع باشد می‌توان با توجه به مقررات ماده ۵۵ ق.م.ا. عمل رباگیرنده را نیز فاقد وصف جزایی دانست.

گفتار چهارم: شرایط تحقق اضطرار در جرم ربای قرضی و سایر موارد

در بزه ربا اضطرار در صورتی محقق خواهد شد که:

اولاً: خطر شدیدی موجود باشد، یعنی جان یا سلامتی ربا دهنده یا یکی از افراد تحت تکلفش یا اموال و دارایی شان در معرض خطر و نابودی قرار گرفته باشد.

ثانیاً: ربا دهنده عمداً مبادرت به ایجاد چنین وضعیتی نکرده باشد.

ثالثاً: توسل به عملیات ربوی تنها راه حل ممکن باشد.

رابعاً: ربا دهنده به مقدار ضرورت اکتفاء کند یعنی به میزانی که بتواند از مهلکه و وضعیت غیر قابل تحمل نجات.

واسطه معامله ربوی: واسطه معامله ربوی در واقع همان معاون جرم است که ارتکاب ربا را با وساطت خویش تسهیل می‌نماید، از این رو فعل واسطه نیز در صورتی جرم است که با توجه به تئوری استعاریه ای بودن بزه معاونت در حقوق ایران، معامله ربوی بعد از وساطت وی محقق شود و اضافه مشروط نیز بین طرفین جرم ربا رد و بدل گردد.

بر همین منوال چنانچه واسطه بین افرادی وساطت کند که معاملات ربوی توسط آنها جرم نیست، مانند مسلمان و کافر یا زن و شوهر، در این صورت نیز با توجه به اینکه شروط جرم بودن عمل معاون جرم بودن عمل مباشر است، عمل واسطه را نیز نمی‌توان جرم و قابل تعقیب و مجازات دانست.

بند اول: جزای نقدی

مقصود از «جزای نقدی معادل مال مورد ربا» در ماده ۵۹۵ ق.م.ا. معادل میزان اضافی دریافتی است نه معادل کلی مالی که در معامله ربوی رد و بدل شده است، زیرا آنچه که بر آن «ربا» اطلاق می‌گردد زیادتی است که یکی از طرفین معامله ربوی به دیگری پرداخت می‌کند نه کل مالی که در معامله ربوی میان طرفین رد و بدل می‌شود.

بند دوم: دادگاه صالح به رسیدگی

اگر چه بند ۶ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب رسیدگی به دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانونی اساسی که یکی از آنها ربا است را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده، لیکن باید توجه داشت که صلاحیت دادگاه انقلاب در این خصوص محدود به تعیین تکلیف ثروتهای نامشروعی است که از طریق ربا و... تحصیل شده و از بابت رسیدگی به جنبه کیفری ربا، دادگاه انقلاب فاقد صلاحیت ذاتی بوده و رسیدگی به این جرایم در دادسراها و دادگاههای عمومی بعمل خواهد آمد.

اداره حقوقی قوه قضائیه در این زمینه طی نظریه مشورتی شماره ۷۱۴۱۵ - ۱۳۷۴/۲/۱۹ اشعار داشته: «آنچه در اصل ۴۹ قانون اساسی و مواد ۳، ۸، ۱۰ و ۱۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳ مبنی بر صلاحیت دادگاه انقلاب آمده است مربوط به رسیدگی و ثبوت شرعی و ضبط ثروتهای نامشروع است و اساساً فاقد جنبه کیفری می باشد. رسیدگی «جرم ربا و صلاحیت دادگاه عمومی می باشد.»

همچنین در این زمینه می توان به بخشنامه شماره ۱۱۷۵۵۷ مورخه ۱۳۷۴/۵/۷ اشاره نمود.

در این بخشنامه آمده است: «در هشتمین جلسه مسئولان قضایی کشور که به ریاست حضرت آیت الله یزدی رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۷۴/۳/۲۳ تشکیل گردیده پیرامون بند ۶ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در خصوص تشخیص و تفکیک صلاحیت و اختیارات محاکم عمومی و انقلاب در امور اصل ۴۹ قانون اساسی بحث و بررسی به عمل آمد و به شرح ذیل اظهار نظر شد:

شکایت افراد از ارتکاب ربا، غضب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار و دیگر عناوین مذکور در اصل ۴۹ در محاکم عمومی دادگستری رسیدگی می شود ولی رسیدگی به سرمایه های نامشروع و استرداد ثروتهای ناشی از ارتکاب جرایم یاد شده به بیت المال در صلاحیت دادگاههای عمومی می باشد. مراتب بدین وسیله اعلام می شود.»

گفتار پنجم: حکم ربای قرضی در اسلام

در تمام ادیان الهی ربا حرام شمرده شده است و لذا در اسلام به طریق اولی این مسئله باید حرام شناخته شود و در ضمن در حرمت آن از نظر قرآن، سنت و اجماع علما هیچ گونه تردیدی نمی باشد تا آنجا که حتی امام خمینی (ره) حرمت آن را تا مرز انکار ضروریات دین دانسته اند (خمینی، روح الله، ۱۳۷۴: ج ۱، ۵۳۶). حال در ادامه مقاله به بررسی حکم ربا در منابع استنباط حکم در فقه امامیه می پردازیم.

بند اول: ربا در قرآن

برخی آیات در قرآن کریم حول تحریم ربا بحث می کند که عبارتند از:

۱- «مالی که به ربا می دهید تا در اموال مردم افزون شود نزد خدا هیچ فزونی برآن ایجاد نمی شود و مالی را که برای خشنودی خدا برای زکات می پردازید دو برابر می شود» (سوره روم، آیه ۳۹).

۲- «از عادات زشت یهودیان این بود که ربا می گرفتند در حالی که از آن نهی شده بودند و اموال مردم را به ناحق می خوردند...» (سوره نساء، آیه ۱۶۱).

۳- «ای اهل ایمان، ربای به هم فزاینده را نخورید از خداوند بترسید تا رستگار شوید...» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۰).

از این آیات قرآن کریم می توان حرمت ربا را از دید خداوند متعال دریافت و این مسئله بیش از آیه اول و دوم، در آیه سوم ظاهر می شود چه آنکه خداوند متعال اهل ایمان را به ترس از خدا و دوری از اکل ربا فرا می خواند.

خلاصه اینکه همه این آیات، حکایت از شدت حرمت ربا در اسلام دارند. هر چند در خصوص مصادیق ربا، مفسران اختلاف نظر دارند اما در قرآن کریم نوع الحکم ربا متعلق فیه حرمت واقع شده است.

بند دوم: ربا از نظر سنت رسول اکرم (ص)

روایت‌های بسیار زیادی کاشف از قول، فعل و تقریر معصوم در کتب معتبر شیعه و سنی دال بر حرمت ربا وجود دارد که به برخی از آنها اجمالاً در زیر اشاره خواهیم کرد:

۱- شیخ عباس قمی از رسول گرامی اسلام (ص) چنین روایت می‌کند: «خداوند در روز قیامت شکم رباخوار را به اندازه ربایی که خورده است از آتش جهنم پر می‌کند: هیچ یک از اعمال و کارهای نیک او نمی‌پذیرد تا زمانی که اندکی از اموال ربوی در دستش است، پیوسته مورد لعن و نفرین فرشتگان قرار خواهد گرفت» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۵۰۷).

۲- رسول اکرم (ص) در جای دیگری هم رباخواری را بدترین کسب‌ها معرفی می‌کند (حکیمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۴۰۳).

۳- ابان بن بکیر روایت می‌کند که جناب امام صادق (ع) رسیدم «به ایشان خبر رسید که مردی ربا می‌خورد و آن را شیر می‌نامد. امام (ع) فرمودند: اگر خداوند مرا بر او چیره گرداند، گردن او را خواهم زد» (حرعاملی، ۱۳۴۷: ج ۱۲، ۴۲۹).

۴- از امیرالمؤمنین علی (ع) نیز چنین روایت شده است که «هرگاه خداوند متعال بخواهد قومی را نابود کند ربا در میان‌شان ظاهر می‌کند. (طبرسی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۳۹۰).

مخلص کلام اینکه درباره حرمت ربا روایت‌های متعددی در کتب شیعه و سنی آمده است و تنها مرحوم حر عاملی در کتاب شریف وسائل الشیعه بیش از سیصد روایت دال بر حرمت ربا جمع‌آوری کرده‌اند، که این کثرت احادیث کاشف از شدت حرمت ربا، نزد ذوات مقدس معصوم می‌باشد.

بند سوم: ربا از دیدگاه اجماع

یکی دیگر از ادله کشف و استنباط احکام اجماع فقها در یک عصر می‌باشد و بنابر نگاهی اجمالی به نظرات فقها، می‌توان اجماع فقها را در باب حرمت ربا دریافت. برای مثال شیخ طوسی می‌گوید: «علما اجماع دارند بر اینکه ربا از گناهان کبیره می‌باشد» (طوسی، ۱۳۴۲: ۵۸۹). همچنین در تفسیر قرطبی آمده است که حرمت ربا اجماعی است (قرطبی، ۱۳۵۵: ۳۴۸).

امام خمینی نیز در تحریر الوسیله چنین می‌فرماید که: «حرمت ربا به کتاب و سنت و اجماع مسلمین ثابت شده است؛ بلکه بعید نیست از ضروریات دین باشد» (خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴: ۱۷۵). با توجه به این اجمالی که از قرآن، سنت و اجماع در این مقاله آوردیم به وضوح برای خواننده محترم آشکار می‌شود که دین مبین اسلام برای ربا حکم به حرمت داده است و متقابلاً برای طرفین ربا اشد مجازات را مقرر فرموده است.

بند چهارم: جایگاه راه‌های تخلص از ربا در اندیشه امام خمینی (ره)

در کتب قدیم فقهی از جمله کتاب شریف شرح لمعه، شهیدین راه‌هایی را برای تخلص از ربا بیان فرموده‌اند به همین سبک دیگر فقها هم در کتب خود متعرض بحث پیرامون این راه‌ها شده‌اند. لیکن امام خمینی به طور قاطع نظر خود را مبنی بر عدم جواز توسل به استفاده از حیل جاری برای تخلص از ربا اعلام داشته‌اند. این نوع نگرش حضرت امام شاید منشأش فلسفه تحریم باشد (خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۰۶-۴۰۷).

در ضمن لازم به ذکر است در قانون مدنی (قبل از انقلاب اسلامی) أخذ ربا با پوششی شرعی و قانونی مشروع جلوه داده شده بود.

[۱]

مرحوم طبرسی علت حرمت ربا را ترک تجارت و مختل ماندن کسب و کار می‌داند (طبرسی، ۱۳۵۰: ج ۳، ۱۸۲).

قطب‌الدین راوندی به نقل از کسی، علت حرمت ربا را همان چیزی دانسته که مرحوم طبرسی بیان فرموده‌اند و ایشان متمسک به روایت امام صادق (ع) شده‌اند که، علت حرمت ربا را ترویج کار نیک می‌دانند، در ادامه ایشان از دیگر عوامل حرمت ربا را مصلحتی می‌داند که فقط خدا بدان آگاه است (راوندی، ۱۳۶۴: ج ۲، ۴۷-۴۸).

علامه طباطبائی درباره علت حرمت ربا می‌فرمایند: «اگر ربا حرام شده علتش این بوده که از روش صحیح زندگی خارج است و منافی با ایمان به خدا و ناسازگار با آن است و نیز یکی از مصادیق ظلم است» (طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۳۹).

آیت الله ناصر مکارم شیرازی در کتاب ربا و بانکداری اسلامی علل حرمت ربا را چنین محصور فرموده‌اند:

۱- «ربا اکل مال به باطل است» استناد ایشان آیه‌های ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء و روایت امام هشتم (ع) درباره فلسفه حرمت ربا بوده است.

۲- «ربا باز دارنده مردم در تلاش‌های اقتصادی است». متمسک به منقوله هشام از امام صادق (ع) شده‌اند که می‌فرمودند: «شأن چنین است که اگر ربا حلال می‌بود مردم تجارت را ترک می‌کردند».

۳- ربا باعث تضعیف عواطف انسانی است.

۴- ربا مصداق بارز ظلم می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱-۴۵).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دریافت که اساساً فلسفه حرمت ربا در بین فقها و مفسران محل تشکیک و اختلاف است و این تشکیک ناشی از روایت‌های متعدده در این حوزه می‌باشد. اما آنچه بر هر متدینی مبرهن و واضح است این است که شارع مقدس بنا به هر دلیلی حرمت أخذ ربا را قایل شده است و گذشته از فلسفه حرمت، به قیاس اولی باید اهتمام هر متفقه، فقیه و مفسری بر حرمت آن باشد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان دریافت که رابطه معنای لغوی ربا و معنای اصطلاحی آن عموم و خصوص مطلق بوده و به عبارت دیگر معنای لغوی آن اعم از معنای اصطلاحی می‌باشد. چرا که در معنای اصطلاحی، زیادی و اضافه‌ای که مد نظر می‌باشد نوع خاصی از زیادی با همان شرحی است، که در متن آمد. علاوه بر این مطلب، از مباحث مطرح شده می‌توان دریافت که ربا در منابع استنباط دین اسلام کاملاً مذموم و حرام شمرده شده و بنا به مصالح مختلفی که برخی از آنها در متن گذشت، در فقه حکم به حرمت آن شده است. لیکن فلسفه تحریم آن در دین مبین اسلام در بین علما، فقها و مفسران محل اختلاف می‌باشد. در ضمن جالب توجه این که در حقوق موضوعه قبل از انقلاب نه تنها هیچ‌گونه اقدامی جهت مبارزه با این پدیده شوم انجام نگرفته بود بلکه، از مطالعه سطحی برخی قوانین، رایحه تجویر ربا استشمام می‌شد. لیکن به یمن پیروزی انقلاب اسلامی در برخی قوانین این پدیده شوم غیر شرعی شناخته شده است، مرتکب آن مجرم شناخته و مجازات متناسب برای هر یک از طرفین ربا و واسطه‌ها در نظر گرفته شده است و این نوع نگرش در قوانین موضوعه برگرفته از، قوانین الهی دین مبین اسلام فقه امامیه می‌باشد.

منابع

۱. ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۲)، ربا و قرض در اسلام، قم: بوستان کتاب.
۲. اصفهانی، محمدحسین، بحوث فی الاصول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۳. بهایی، محمد بن حسین، زبده الاصول، قم، شریعت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۴. بهبهانی، محمدباقر، الفوائد الحائریه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۵. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۴۷)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶. حکیمی، محمدرضا (۱۳۶۳)، الحیاه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. حلی، حسین، اصول الفقه، قم، مکتبه الفقه و الاصول المختصه، چاپ اول، ۱۴۳۲ ق.
۸. خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، با تعلیقه زارعی سبزواری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۴۳۰ ق.
۹. خویی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، کتاب البیع، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴)، تحریر الوسیله، قم: دارالعلم.
۱۲. شهید اول، محمد بن مکی، القوائد و الفوائد، قم، کتابفروشی مفید، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.

۱۳. شهید ثانی، شرح لمعه، ترجمه علی شیروانی و محمد مسعود عباسی، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۴. شیخ انصاری، مرتضی، فوائد الاصول، نرم افزار کتابخانه مدرسه فقاقت، ۱۴۲۸ ق.
۱۵. صدر، سید محمدباقر، دروس فی علم الاصول، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، چاپ سوم، ۱۴۲۶ ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۷)، مفردات الفاظ قرآن؛ صفوان تحقیق عدنان داوودی، قم: انتشارات طلّیعه النور.
۱۷. راوندی، قطب‌الدین (۱۳۶۴)، فقه القرآن، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
۱۸. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: دفتر نشر اسلامی.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه حسین نوری، و محمد مفتاح، تهران: فراهانی.
۲۰. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۴۲)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قیصر العاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۱. علامه حلی، حسین بن یوسف (۱۳۶۳)، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تهران: انتشارات اسلامیة.
۲۲. عملیات بانکی بدون ربا: مجموعه مصوبات مربوط به عملیات بانکی بدون ربا شامل... (۱۳۶۴)، دوره آموزش و مطالعات نیروی انسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز آموزش بانکداری.
۲۳. قانون مجازات اسلامی: حدود قصاص، دیات، تعزیرات مجازات‌های بازدارنده مصوب دوم خرداد ۱۳۷۵... (۱۳۷۶)، تنظیم و تصحیح علی اکبر عبداللهی، تهران: اردیبهشت.
۲۴. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۵۵)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. قمی، عباس (۱۳۶۳)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار، تهران: فراهانی.
۲۶. فاضل تونی، عبدالله بن محمد، الوافیة فی اصول الفقه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۷. کرباسی، محمد ابراهیم، اشارات الاصول، چاپ اول، بی تا.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. محقق داماد، سید مصطفی، مقاله تحولات اجتهاد شیعی، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۸.
۳۰. مجموعه کامل قوانین و مقررات اساسی - مدنی با آخرین اصلاحات (۱۳۸۱)، تدوین فرج‌الله قربانی، تهران: دانشور.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مسأله ربا، تهران: انتشارات صدرا.
۳۲. معطوف، لویس (۱۳۶۱)، منجد، ترجمه محمد بندریگی، تهران: انتشارات اسلامی.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، ربا و بانکداری اسلامی؛ تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، قم: مؤسسه امام علی (ع).
۳۴. مؤذن‌زادگان، حسن علی (۱۳۷۸)، بررسی جرم ربا در حقوق موضوعه ایران، فصلنامه وام، سال چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳.
۳۵. موسایی، میثم (۱۳۷۶)، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، تهران: موسسه تحقیقات پول بانکی.
۳۶. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام [محقق حلی]، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. نوری کرمانی، محمد امیر (۱۳۸۱)، موضوع شناسی ربا و جایگاه آن در اقتصاد معاصر، قم: بوستان کتاب.